



خیلواکی

استقلال

www.esteqaal.net

داکتر نوراحمد خالدي

چهارشنبه ۰۹ اپریل ۲۰۲۵

جنگ تمام عیار تجارتي امريکا با جهان بکجا می انجامد؟

آيا ممالک صادر کننده به ايالات متحده اقدامات تلافی جويانه بر ضد تعرفه های دونالد ترامپ وضع خواهند کرد؟ و يا اينکه مطابق دلخواه دونالد ترامپ ممالک صف خواهند بست تا دو به دو با ترامپ مذاکره کرده و بهترين راه حل را برای خود تقاضا کنند؟ آيا اين برهم زدن نظم تجارتي موجوده جهانی توسط دونالد ترامپ سنجيده و پلان شده است و يا از روی بلند پروازی غير منطقی؟

هوارد لوتنيک وزير تجارت امريکا تعجب میکند که چرا ممالک خارجی بر عليه تعرفه های ترامپ اقدام متقابل میکنند؟ اما سوال اصلی در آن است که آيا امريکا میتواند با تمام دنيا در یک جنگ تجارتي برنده باشد؟

خطر آن موجود است که بحران اقتصادی امريکا که با سقوط بازارهای سهام شرکت های امريکايی آغاز شده، با افزايش انفلاسيون، بيشتر شدن بیکاری، از دست دادن بازارهای خارجی برای محصولات امريکايی، بسوی یک گساد اقتصادی روان است، شديدتر نمايد.

اما هوارد لوتنيک معتقد است که امريکا به جانب گساد اقتصادی نخواهد رفت و از ممالک جهان میخواهد که بر ضد تعرفه های ترامپ اقدام متقابل نکنند. او میگوید امريکا بزرگترین خریدار اجناس و امتعه ممالک خارجی در دنيا است و اين ممالک نبايد در مقابل تعرفه های امريکا اقدام متقابل کنند زیرا ترامپ صرف میخواهد صنايع را به امريکا باز گرداند. آيا او راست میگوید و ممالک ديگر به توصیه های او گوش خواهند داد؟

گفته میشود هوارد لوتنيک یکی از چهره های اصلی در عقب انقلاب تعرفه های ترامپ می باشد.

اما کانادا و چين اقدامات متقابل تعرفه های گمرکی را برضد دونالد ترامپ اعلان کرده اند. در عين زمانیکه چين وضع 34% تعرفه بالای واردات از امريکا را اعلان کرده است به خریداری هرچه بيشتر طلا اقدام کرد و باندهای بيشتر خزانه داری امريکا را فروش نمود تا ميزان ذخاير دالری خود را کاهش دهد. اقدامات تجاری امريکا طوری ديزاين شده تا ارزش دالر امريکايی در بازار های دنيا

کاهش یابند و چین برای جلوگیری از خسارات احتمالی در ارزش ذخایر خود این اقدام را نموده است.

امریکا نقش خود را در تجارت دنیا قویتر از آنچه است ارزیابی کرده است. بسیار امکان دارد تا کشورهای اروپایی، چین و سایر ممالک بریکس میزان تجارت خود را با ایالات متحده کاهش دهند و بازارهای جدیدی به عوض بازار امریکا را جستجو نمایند. تحقق این امر ضربه سختی به اقتصاد امریکا وارد خواهد کرد و بحران اقتصادی را در امریکا که با سقوط بازارهای اسهم شرکتهای امریکایی آغاز شده، با افزایش انفلاسیون، بیشتر شدن بیکاری، از دست دادن بازارهای خارجی برای محصولات امریکایی، بسوی یک گساده اقتصادی روان است، شدیدتر نماید.

برای امریکا و بخصوص دونالد ترمپ سازمانهای بین المللی مانند ملل متحد، سازمان صحتی جهان، سازمان تجارت بین المللی، ناتو و امثالهم وجود نه دارند، تنها کشورها بطور جداگانه، امریکا و 200 کشور در سراسر جهان وجود دارد. من معتقدم ستراتیژی ترمپ این است که او میخواهد کل سیستم چندجانبه بین المللی را برهم زند. بنابراین او دوست ندارد بخشی از یک سیستم چند جانبه باشد که در آن تصمیمات با 200 کشور دیگر مشترک است. بنابراین او می خواهد به نوع تعامل دوجانبه بین ایالات متحده و سران دولت های دیگر کشورها به صورت یک به یک، به صورت دوجانبه حرکت کند. و بنابراین با در نظر گرفتن این مفهوم، افزایش تعرفه های گمرکی برای ترمپ راهی است برای خروج تقریباً عملی از WTO سازمان تجارت جهانی، برهم زدن قوانین سازمان تجارت جهانی، و سپس رفتن به مرحله دوم، که آغاز بحث و مذاکره با کشورها بطور دوجانبه است که در آن او فکر میکند قادر است این ممالک را تهدید نموده تابع پیروی اقدامات او نماید. بنابراین او اساساً تعرفه را با این و نه با آن کشور برای این محصول و نه برای آن محصول کاهش می دهد یا افزایش می دهد، سعی می کند منافع را برای خودش به حداکثر برساند، با این دیدگاه که شاید بخشی از صنایع تولیدی نیز به ایالات متحده بازگردد.

این دقیقاً همان کاری است که او می خواهد انجام دهد. او می خواهد ابتدا تعرفه ها را بر همه در سراسر جهان اعمال کند. به همین دلیل او به این اعداد تعرفه متقابل رسید، ارقام بسیار بالا، آن هم به شکلی که بسیار غیرعادی محاسبه شده اند. توقع طوری است که کشورها به عقب برمی گردند و برای مذاکره با او تماس می گیرند و این باعث می شود او احساس کند که قدرت را دارد تا آنها را ترسانده تابع اقدامات خود نماید. وقتی احساس می کنید قدرت دارید، بهتر می توانید مذاکره کنید. این دقیقاً همان کاری است که او می خواهد انجام دهد. او نمی خواهد طبق قوانین WTO زندگی کند،

جایی که او موظف است از بندهای MFN یا "ملت مورد علاقه" برای همه کشورها استفاده کند. این بدان معناست که اگر ایالات متحده بر یک کشور تعرفه وضع کند، باید دقیقاً همان تعرفه را بر واردات امتعه هر کشور دیگری اعمال کند. او نمی خواهد این کار را انجام دهد. او می خواهد اول با تعرفه های بسیار بلند همه را بترساند بعد برود با مذاکرات دوجانبه به صورت انفرادی کم کند. توقع آن است که کشور ها یکی پس از دیگری با او تماس می گیرند و برای کاهش دوجانبه مذاکره می کنند، بنابراین او تا زمانی که کشورها با دیدگاه او کنار بیایند، ادامه خواهد داد. به عنوان مثال، ویتنام قبلاً اقداماتی را برای تماس با ترمپ، درخواست کاهش تعرفه انجام داده است و ترمپ تا چه زمانی این ستراتیژی را حفظ خواهد کرد؟ تا زمانی که کشورها به سراغ او بیایند.

هر کشوری که زودتر اقدام کند نسبت به سایرین که بعداً می آیند، مزیتی خواهد داشت. در این راستا هند مذاکرات تجارتي خود را با ترمپ از ماه فبروري در واشنگتن حين مسافرت مودی آغاز کرده بود. آیا هند در مقابل تعرفه های گمرکی ترمپ اقدام متقابل میکند؟ دونالد ترمپ بالای واردات امریکا از هند 26% تعرفه گمرکی وضع کرد. با آنکه این میزان تعرفه بالای هند کمتر از 46% بالای ویتنام و میزان تعرفه های ترمپ بالای یکتعداد ممالک شرق و جنوب شرق آسیاست، اما در نتیجه بازارهای بورس یا اسهام هند بدترین روز معاملاتی خود را در 10 ماه گذشته داشتند. با وجود این اقدام یکجانبه، مقامات هندی می گویند دهلی نو اقدام تلافی جویانه ای علیه ایالات متحده انجام نخواهد داد.

در مورد اینکه چه کسی ابتدا برای مذاکره در یک بحث شرکت می کند، کمی رقابت وجود دارد. این وضعیت به ترمپ قدرت می دهد. او می گوید، من اکنون پادشاه هستم. مثلاً خواهد گفت من برای همه تعرفه 34 درصد، برای شما 20 درصد وضع میکنم! حالا شما بیائید با من صحبت کنید و بیائید با هم مذاکره کنیم که از اینجا به کجا برویم. برای او سازمان ملل متحد وجود ندارد. ناتو وجود ندارد. اتحادیه اروپا وجود ندارد. تنها کشورها، امریکا و 200 کشور در سراسر جهان وجود دارد. من معتقدم ستراتیژی ترمپ این است که او میخواهد کل سیستم چند جانبه بین المللی را متزلزل کند. طوریکه در بالا گفته شد همه سازمان های بین المللی، سازمان صهی جهان، سازمان ملل متحد، بانک جهانی، و WTO، سازمان تجارت جهانی، او دوست ندارد بخشی از یک سیستم چند جانبه باشد که در آن تصمیمات با 200 کشور دیگر به اشتراک گذاشته می شود. او می خواهد به یک نوع تعامل دوجانبه بین ایالات متحده و سران دولت های دیگر کشورها به صورت یک به یک، به صورت دوجانبه حرکت کند.

چین مایل است این پیام را به ترمپ بفرستد که هر کاری ترمپ انجام دهد، چین با آن عمل مطابق خواهد کرد. این می تواند برای اقتصاد و تجارت جهانی منفی باشد. اما همچنین دلیل آن این است که چین با تهدید به تشدید تنش، می تواند ترمپ را متقاعد کند که تعرفه ها علیه واردات چین را کاهش دهد.

زیرا یک نکته مهم را به یاد داشته باشیم، چین بر واردات از ایالات متحده تعرفه وضع نکرد. آنها فقط گفتند که می کنند، اما هنوز این کار را نکرده اند. تاریخ را اعلام نکرده اند. آنها فقط به عنوان یک تهدید لفظی می گویند که ما نیز 34 درصد انجام خواهیم داد، اما واقعیت این است که در حال حاضر هیچ تعرفه واردات امتعه آمریکایی به چین وجود ندارد. این درها را برای چین باز می کند تا با ترمپ در مورد کاهش در ازای رفع تهدید مذاکره کند. صادرات چین به ایالات متحده هنوز زیاد است، اما نسبت صادرات چین به ایالات متحده نظر به کل تولید ناخالص داخلی چین بسیار کاهش یافته است. در سال 2010 صادرات کلی چین نظر به تولید ناخالص داخلی آن 32 درصد بود. چین بسیار متکی به صادرات بود. اکنون نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی حدود 18 درصد است، یعنی تقریباً نصف. صادرات به ایالات متحده بخشی از آن است. ما می توانیم محاسبه را به این صورت انجام دهیم، حتی اگر صادرات امتعه چینی کاهش 10، 20 درصدی را تجربه کنند، این 10، 20 درصد از 20 درصد است و بنابراین اثر آن بر چین صفر خواهد بود. و حتی چین میتواند با افزایش صادرات به کشورهای آسیای شرقی جبران کند. بنابر آن به نظر من تغییر جهت صادرات چین از ایالات متحده بیشتر به سمت کشورهای همسایه ASEAN، و شاید حتی بیشتر بطرف جاپان، کوریا و استرالیا صورت بگیرد. به همین دلیل است که من فکر می کنم شاید در کوتاه مدت، یک سال، تولید ناخالص داخلی می تواند تعدیلهایی غیرمادی داشته باشد، اما پس از آن به چین ثبات درازمدت بیشتری برای تجارت با شرکای نزدیک تر می دهد.

هر کشوری منافع خاص خود را دارد. همه کشورها با ایالات متحده مازاد یا کسری دارند، اما همه آنها مشمول یک تعرفه هستند، 20 درصد برای همه. برخی از کشورها از این 20 درصد سود می برند زیرا در غیر این صورت تعرفه بیشتری دریافت می کردند و برخی کشورها ضرر می کردند، می توانستند کمتر دریافت کنند. عکس العمل به طور طبیعی متفاوت است. راهی که آنها می خواهند این کار را انجام دهند این است که آنها دو امکان در مقابل دارند. یا به عنوان اتحادیه اروپا برای کاهش تعرفه ها مذاکره می کنند، یا کشورها به صورت انفرادی برای مذاکره مستقیم با ترمپ می روند.

به نظر من امکان دوم بهترین است. چرا؟ یکی، چون ترمپ این را می خواهد، به خاطر داشته باشیم که در ابتدا گفتیم، او روابط دوجانبه می خواهد، نه چندجانبه. بنابراین ترمپ نمی خواهد با اتحادیه اروپا معامله کند. او می خواهد با هر یک کشورها جداگانه برخورد کند .

به نظر می رسد که امتعه ایتالیایی به ایالات متحده با تولید ایالات متحده رقابت نمی کنند. هرگز یک شرکت ایتالیایی وجود نخواهد داشت که تولید خود را به ایالات متحده منتقل کند. ایتالیا در ستراتی ترمپ برای بزرگ کردن دوباره امریکا نقشی ندارد. در عوض، آلمان می تواند، زیرا آلمان شرکت های بزرگی دارد که به طور بالقوه می تواند در ایالات متحده سرمایه گذاری کند. بنابراین ترمپ ممکن است علاقه بیشتری به مذاکره با آلمان برای سرمایه گذاری شرکتی در ایالات متحده داشته باشد. بنابراین ستراتی تفاضلی در چارچوب ساختار اقتصادی مختلف کشورهای اروپایی معنا پیدا می کند، زیرا کشورها می توانند به صورت جداگانه مذاکره کنند. اتحادیه اروپا ماه ها طول می کشد. بنابراین ملونی، صدراعظم ایتالیا، اکنون در چند روز آینده به ایالات متحده می رود تا دقیقاً همین کار را انجام دهد، تا یک به یک و دوجانبه مذاکره کند. برای او سازمان ملل وجود ندارد، ناتو وجود ندارد، اتحادیه اروپا وجود ندارد. فقط کشور امریکا و 200 کشور دیگر در سراسر جهان وجود دارد.

سوال اساسی روز آن است که آیا جهان شاهد یک جنگ تمام عیار تجاری با ایالات متحده خواهد بود و یا اینکه مطابق دلخواه دونالد ترمپ ممالک صف خواهند بست تا دو به دو با ترمپ مذاکره کرده و بهترین راه حل را برای خود تقاضا کنند؟ جواب این سوال از یکطرف بستگی به اهمیت بازار تجاری امریکا برای ممالک مختلف جهان بطور انفرادی دارد یا ممالک بازارهای جدیدی را قادر خواهند شد به عوض امریکا پیدا کنند!

داکتر نوراحمد خالدي